

بحثی درباره مقام «ملودی» ایران و صبا

از دکتر مهدی برکشلی
استاد دانشگاه



از اوایل قرن نوزدهم که مستشرق معروف «کزگارتن»^۱ مطالعه موسیقی شرقی را از فارابی آغاز نمود علل بسیاری باعث جلب توجه محققین و دانشمندان باین موضوع گردید. از جمله شاید بتوان احسن کنجکاری در مسائل علمی و جستجوی فرمهای جدیدی از هنر را یاد آور شد.

محققین مانند «کیزوتو»^۲، «هامر»^۳ پور کشتال^۴، «لاند»^۴، «سالوادر ودانیل»^۵، «کولانجت»^۶، «کارادوو»^۷، «فارمر»^۸ و «ارلانزور»^۹ و دیگران تألیفات و مدارک موسیقی موجود از فلاسفه و موسیقی شناسان مشرق را بررسی و موشکافی نموده اسرار آنرا مکشوف و لطائف آنرا آشکار

۱ - Kasegarten - ۲ Kiesevetter - ۳ Hammer - Purgstall
۴ - Land - ۵ Salvador et Daniel - ۶ Colangettes
۷ - Carra de Vaux - ۸ Farmer - ۹ Erlanger

ساخته‌اند و نتایج تحقیقات این دانشمندان در کتاب‌های پراچی چاپ و در دسترس ملل غرب گذارده شده است.

پیش از کشفیات فوق ملل مغرب از موسیقی شرقی اطلاع شایسته‌ای نداشته‌اند و شاید گاهگاهی در پایتخت‌های بزرگ دنیا هنگام بعضی نمایشگاهها و یا گذار هنرمندان مشرق زمین از این پایتخت‌ها فرصت شنیدن قطعاتی از موسیقی شرقی یافته‌اند. از شنوندگان آنان که آمادگی فهم موسیقی نداشته‌اند، این نوع موسیقی را یکنواخت و غم‌انگیز توصیف می‌نمودند؛ و آنانکه دارای این آمادگی بودند، آنرا ظریف و پرمعنی می‌انگاشتند ولی اطلاعات کافی برای تجزیه و تحلیل آن نداشتند. شوررا از نوازش‌شخص نمی‌دادند و اختلاف انواع قوی و انواع لین را احساس نمی‌کردند و بکلیفیات احساس آن آشنا نبودند چه فهم هر علم و درک هر هنر محتاج بمقدماتی است، که حداقل آن آشنائی بتحولاتی است که آن علم یا هنر را بوضع موجود رسانیده است.

پس از انتشار تحقیقات و کارهای دانشمندان فوق، موسیقی شرق نزد ملل غربی و در دنیای موسیقی اهمیت حقیقی خود را باز یافت و اینک موسیقی، دانان شایسته‌ای از کشورهای دور دست برای کسب اطلاعات دست اول و یافتن فرم‌های تازه و گرفتن الهام بممالک مشرق می‌آیند و بیش از پیش بارزش این نوع موسیقی بی‌می‌برند. چنانکه در این اواخر مکاتباتی از اهل فن مغرب زمین بمقامات هنرهای زیبای ایران برای تامین خرج تحصیل و تسهیلات لازم برای مطالعه موسیقی ایران بعمل آمده است. در جریان همین سال دو آهنگ‌ساز و موسیقی‌شناس معروف یکی «هانری کاوئل» از آمریکا و دیگری «دکتر لوزر» از سویس برای مطالعه موسیقی ایرانی با ایران آمدند. این علاقه بتجزیه و تحلیل موسیقی شرقی نه تنها بین موسیقی دانان مغرب مشهود است بلکه دانشمندانی که بمناسباتی بممالک مشرق سفر میکنند مطالعه موسیقی را یکی از برنامه‌های کار خود قرار می‌دهند. در همین سال گذشته اغلب پرفسورهای دانشگاههای مشهور دنیا که از طرف دانشگاه تهران برای ایراد سخنرانی‌های علمی با ایران دعوت شدند طالب شنیدن و مطالعه موسیقی اصیل ایرانی بودند از آن جمله پرفسور «دارموآ» استاد فیزیک دانشگاه

پاریس را نام باید برد. این دانشمند عالیقدر که حق استادی بگردن نویسنده این سطور و اکثر بلکه همگی استادان فیزیک دانشکده علوم دارد با وجود کبر سن و کمی فرصت مدت دو ساعت تمام در صدا خانه هنرهای زیبا برای مطالعه و آشنائی بموسیقی ایران وقت صرف نمود.

چه خصوصیتی از موسیقی ایرانی جلب توجه ملل غرب را نموده است؟ جواب سؤال فوق موضوع مقالات مفصل خواهد بود در این مختصر باظهار عقیده مستشرق و موسیقی شناس معروف «کارادو» اکتفا میکنم. این سطور از اوست.

«در حقیقت باید قبول نمود که موسیقی مشرق بعد از اسلام نسبت با آنچه نزد ملل سابق بوده است چه از حیث کمیت و تنوع سازها و چه از حیث قواعد نظری تضعیف گردیده است. در کتاب آسمانی تورا از هزاران نوازنده چنگ و سرنا و طبل صحبت میرود که افتخار «بپوه» را در معبد جشن می گرفتند. در حجاریهای آثار باستانی مصر انواع و اقسام اسبابهای موسیقی دیده میشود که بلاشک در مراسم تجلیل از خدایان در معابد در از گسترهای بزرگ بکار می رفته اند. بخصوص نزد ایرانیها این عظمت بیشتر دیده می شود. در ادبیات ایران شاعری نیست که شکار شاهانه ای را همراه با شرح مراسم موسیقی آن وصف نکرده باشد. در این مراسم گروه بیشماری از موسیقی دانان، خوانندگان و نوازندگان آلات مختلف موسیقی شرکت داشته اند و بعید بنظر می رسد که از مجموعه آنها از گسترهای متعدد تشکیل نشده باشد. بلاشک در این از گسترها نوعی قوانین اختلاط سازها و شاید هارمونی خاص بکار میرفته است که ما از آن بیخبریم....»

«کارادو و پس از بسط موضوع فوق نتیجه می گیرد:

«بنا بر این مسلم می گردد که موسیقی مشرق بعد از اسلام هم از حیث قواعد نظری و هم از حیث کمیت اسبابهای موسیقی نسبت بسابق تضعیف شده است ولی يك موضوع این تقیصه را بنحو جالب و شایسته ای جبران نموده است و آن تکامل «ملدی» است. در هیچ نوع موسیقی مانند موسیقی شرقی «ملدی» تا این اندازه بسط نیافته است. تمام موشکافی های نظری دان و تمام احساس و شور هنرمند در اجرای ملدی جمع شده است. در ملدی های موسیقی شرقی درجات بیشماری ایجاد گشته و ابعادی حتی کوچکتر از ربع پرده در آن بکار میرود؛ انواع و اقسام دستگامها و مقام هادر آن شنیده میشود. حالت های گوناگون و بیشمار، تغییر صداها بمیزان های دقیق و غیر قابل اجرا در موسیقی

غربی، نت‌های زینت و آکسان‌های مختلف چنان این ملدی‌ها را لطیف و ظریف ساخته است که با وسایل بسیار محدود حتی يك اسباب‌تنبه در دست نوازنده ماهر چنان شنونده را تحت تأثیر می‌گیرد که از خود بیخود میشود. گاه می‌گیرد و گاه می‌خندد و گاه بحالت اغماغمیافتد. چنین شدت وحدت تأثیری در هیچ نوع موسیقی مشاهده نمیشود. ادبیات ایران و عرب پراز حکایاتی است که نمونه‌هایی از این نوازندگان را در ایجاد حالات فوق‌معرفی میکند و چنانکه نوشته‌اند فارابی خود از آن جمله بوده است.

این کیفیت در موسیقی شرقی امروز نیز وجود دارد و من اطمینان دارم در ملل مغرب‌زمین اشخاصی که بهترین و جالب‌ترین جلسات کنسرتها و اپراها می‌روند، هر چند که این تظاهرات هنری با وسایل عظیمی مانند هارمونی و تنوع سازها و رنگ آمیزی لباسها و دکور و نور و وسایل الکتریکی مجهز باشد، پس از مراجعت از جلسات فوق‌باندازه يك شنونده شرقی که يك آواز دلنشین یا يك ساز ماهرانه بشنود تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد...»

این بود قضاوت يك موسیقی‌شناس موشکاف درباره یکی از خصوصیات موسیقی شرقی چه خوب تشخیص داده است! براستی بسط و تکامل ملدی در موسیقی اصیل ایرانی بعد کمال رسیده است. هنگامیکه انسان احتیاج دارد چشم برهم گذارده از تصنعات و قيود زندگی دمی برهد و بخود فکر کند، نوازنده چیره دست بر روی يك ساز تنها چنان او را در عوالم روحانی سیر میدهد که تأثیر آن با هیچ نوع تظاهر هنری دیگری قابل مقایسه نیست، باربد و نکيسا و فارابی که نامشان در تاریخ موسیقی ایران جاویدان است دارای این موهبت بوده‌اند. این قدرت تأثیر در پنجه توانای صبا نیز وجود داشت و آنشب اینحالت بها و همراهِ خارجی «دکتر اوزر» که برای مطالعه موسیقی ایرانی نزد صبايش بردیم نیز دست داد. نام صبا نیز در تاریخ موسیقی ایران جاویدان خواهد ماند.

ماده تاریخ وفات استاد موسیقی ابوالحسن صبا

از جلال همایی
استاد دانشگاه

ساز صبا نغمه‌ی آخر نواخت
کز اثر زخمه روانها بخت
بود در آن ساز چه سوزی که شور
کرد پیا در دل هشیار و مست
از دل و بر سینه صاحب‌دلان
دودی برخاست و داغی نشست
دف بخروش آمد و نالید تار
در غم آن دست که رفتش ز دست
ضرب اجل پرده شومی گشاد
جسم هنر پرده برخسار بست
آه که استاد هنرمند مرد
ساز صبا تا بقیامت شکست
گفت تنها از پی تاریخ او
ساز صبا تار دل ما گسست

(۱۳۷۲)

جلال‌الدین همایی

غفر له

موسیقی از راه لوتی است که فی مخصوص این باب در کتاب در موسیقی اصول است.

در این مضمون عیناً گفته که موسیقی ما از لوتی است و در کتاب در موسیقی اصول در مورد
مجموعه ۴۲ بنام سفاک مضمون کرده و مورد سفاک قرار دادند و در کتاب در موسیقی اصول در مورد
۱- بی بی خصوصی ۲- بی بی خصوصی ۳- بی بی خصوصی ۴- بی بی خصوصی

در بی بی خصوصی که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
درجه ۴۲ بنام سفاک مضمون کرده و مورد سفاک قرار دادند و در کتاب در موسیقی اصول در مورد
بی بی خصوصی که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
می کرد بی بی خصوصی که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
ساز و سازان می گوید و در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
عیناً فرموده تا اینکه بی بی خصوصی که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
با خواندن تصنیف است میداد که گاه گاه در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
است میداد و در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول

۲- در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
اطلاعات آنها در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
هم می گویند که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول

۳- در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
موضوع می گویند که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول
کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول در مورد سفاک درجه که در کتاب در موسیقی اصول

۴- از جهت نظر الدین به بعد چون مرصع نظام در ایران رایج شد جهات موسیقی هم در نظر او بسیار
 متداول گردید که از آنها و السها و سروا در آید و اینها را که هنوز هم متداول است بعد از آنکه
 به تفسیر از آنها اولاد ولد نیز را آنها در سوای کس حفته که قبلاً از روش اروپا بود که نیکوای
 آنها را بحد خطی بلکه متفرقا در نزد موسیقی ایران داشتند.
 به حال این بود مگر دردی که قدما در نزد موسیقی ایشان می کردند چنانکه از زود و مایل و معنیات با هر خطی در
 این گفته میسر است جوانها با این موسیقی چه میگویند بکنند تا سال قبل که هنوز تمدن اروپا در کشور ما
 این موسیقی را قویتر از قوسم می کرد می گویند موسیقی ایران را معنوم است و باید که موسیقی طبعی همان
 اگر موسیقی طبعی است که نشد و چنان از موسیقی ایران بگذرد و اگر آنرا عنوان موسیقی ایران نامند و اگر
 موسیقی معنوم باشد منظور عنوان از آن موسیقی کس و خندان بوجود آورد و وجه ایران معنوم بقوله و شوریم
 این معنوم است در کلمه شگون و نام معنوم موسیقی ما موجود است بجاست و مگر در این است در روز
 در این معنوم پس اگر چه این موسیقی طبعی است که در گذشته میم اول در درون طبع خود
 طبع موسیقی نام که در این است در این است که در این است که در این است که در این است که در این است
 بعد از معنوم از موسیقی و نام است و معنوم است و این را این موسیقی جوهری است اگر هم در این
 باشد هر هر صبر و دست نخورده باشد بر طبع است آنهم بر این است که در این است که در این است
 و در آن این قصید کرده عنوان می کنم آنها را که بعد از آنکه در این است که در این است که در این است
 به کما به نام راجع به موسیقی ایران است عنوان است بجا در حین اقدامی؟
 بعد از قصید موسیقی ایران و کتب در این است که در این است که در این است که در این است که در این است
 گوشه هم آنرا در این است که در این است که در این است که در این است که در این است که در این است
 طرز فرزند کس (کادانس) آری به صبر و نگاه یا گذار به (پاساز) آری گوشه بعد از این در کس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسال جامع علوم انسانی

نمونه ای از خط صبا

و عقاید وی در باره موسیقی ایرانی